

### ارزیابی مالیه تورمی و خلق پول بانکی از منظر عدالت اقتصادی

محمداسماعیل توسلی<sup>۱</sup>

وهاب قلیچ<sup>۲</sup>

#### چکیده

از جمله علل افزایش بی‌رویه حجم نقدینگی، «مالیه تورمی» و «خلق پول بانکی» است. منظور از مالیه تورمی تأمین مالی کسر بودجه دولت از مسیر استقراض از بانک مرکزی و انتشار پول بپر قدرت است. از سوی دیگر خلق پول بانکی یا به تعبیر دیگر خلق اعتبار در سیستم بانکداری ذخیره جزئی با مکانیزم ضریب فزاینده پولی صورت می‌گیرد. شواهد نشان می‌دهد که رخداد نامطلوب این عوامل می‌تواند به تورم و کاهش ارزش پول منجر شود. بنا به اهمیت و جایگاه بالای مقوله عدالت در نظام اقتصادی اسلام، رسالت اصلی پژوهش حاضر بررسی و تحلیل نقش افزایش بی‌رویه حجم نقدینگی از دو مسیر فوق، در نقض قواعد عدالت اقتصادی است. با تعمق و تدبر در مستندات و منابع اسلامی، می‌توان دریافت که عدالت با حق یک رابطه مستقیم دارد؛ از این رو سه قاعده با عناوین «رعایت حقوق عام»، «رعایت استحقاق و شایستگی افراد» و «رعایت حقوق فقرا و محرومان» به عنوان قواعد عدالت اقتصادی معرفی می‌شوند. این پژوهش با یک تحلیل نظری-توصیفی نشان می‌دهد که افزایش بی‌رویه حجم نقدینگی در اثر «مالیه تورمی» و «خلق پول بانکی» بر هر یک از قواعد سه‌گانه عدالت، اثرات منفی برجای می‌گذارد. توصیه سیاستی پژوهش بر آنست که اولاً حاکمیت و نظام سیاست‌گذاری اقتصادی کشور بایستی جهت صیانت از عدالت اقتصادی از هر نوع سیاست‌گذاری‌ای که در نهایت منجر به کاهش ارزش پول ملی می‌شود در حد امکان و توان اجتناب نماید و از روش‌های جایگزین با اثرات تورمی کمتر استفاده کند. ثانیاً در صورت صلاحدید مصلحت نظام به افزایش نقدینگی و ایجاد تورم، نیاز است ضرر وارده بر قواعد سه‌گانه عدالت در حد ممکن توسط حاکمیت جبران شود.

واژه‌های کلیدی: حجم نقدینگی، تورم، خلق پول، عدالت، اقتصاد اسلامی

طبقه‌بندی JEL: D63, E31, E51, G28

<sup>۱</sup> استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی، [metavassoli@gmail.com](mailto:metavassoli@gmail.com)

<sup>۲</sup> استادیار و عضو هیئت علمی پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی، [w.qelich@gmail.com](mailto:w.qelich@gmail.com)

### ۱ مقدمه

در نظام سیاست‌گذاری اقتصادی، بانک مرکزی عهده‌دار تعیین سیاست‌های پولی است. از این‌رو چنانچه بنا بر آن باشد که این سیاست‌گذاری در چارچوب یک نظام پولی و مالی اسلامی پیاده شود، نیاز است از اصول و قواعد نظام اقتصادی اسلام پیروی کند.

شهید صدر (ره) در طرح پیشنهادی خود برای بانک اسلامی سه شرط را طرح می‌نماید؛ اولاً آنکه این بانکداری با شریعت اسلام در هماهنگی کامل باشد؛ ثانیاً آنکه توفیق در همه شرایط اجتماعی و در تمامی جوامع انسانی داشته باشد و ثالثاً آنکه نقش اقتصادی خود را به عنوان یک موسسه تجاری سودآور به درستی ایفا نماید (صدر، ۱۳۵۹). اینکه بانکداری اسلامی باید با موازین شریعت در هماهنگی کامل باشد، یادآور این نکته است که شریعت اسلامی افزون بر توصیه بر پرهیز از ربا، به رعایت اخلاق و عدالت در تمام شئون بانکداری تأکید می‌کند. بنابراین بانکداری اسلامی ایده‌ای کلی‌تر و جامع‌تر از بانکداری بدون ربا است که کمتر بدان توجه می‌شود.

پیاده‌سازی اصول اخلاقی در فعالیت‌های پولی و بانکی سرفصل جداگانه‌ای با عنوان «بانکداری اخلاقی» را می‌گشاید که در جای خود نیازمند بحث مفصل خواهد بود (ر.ک. عیوضلو و قلیچ، ۱۳۹۳). اما آنچه مدنظر این پژوهش است توجه به الزامات پیاده‌سازی قواعد عدالت در سیاست‌گذاری پولی از منظر نظام مالی اسلامی است. گرچه رعایت عدالت در تمام زمینه‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، حقوقی، تربیتی و اجرایی است؛ اما بی‌شک نظام اقتصادی اسلام یکی از مهم‌ترین بسترهایی است که نیازمند تحقق عدالت است. در بند یکم از ماده اول قانون عملیات بانکی بدون ربا (مصوب ۱۳۶۲) یکی از اهداف نظام بانکی جمهوری اسلامی ایران را «استقرار نظام پولی و اعتباری بر مبنای حق و عدل (با ضوابط اسلامی) به منظور گردش صحیح پول و اعتبار در جهت سلامت و رشد اقتصاد کشور» عنوان نموده است و این نشان از اوج اهمیت عدالت در نظام پولی کشور است.

در این پژوهش که به روش تحلیلی - توصیفی تهیه شده است، نگاهی به مبانی نظری خواهد شد. سپس در بدنه پژوهش به سه بخش پرداخته خواهد شد. بخش اول به تعریف و مفاهیم عدالت از منظر نظام اقتصادی اسلام، بخش دوم به اصول و قواعد عدالت اقتصادی در سیاست‌گذاری پولی و بخش پایانی به نقش بانک‌ها و دولت در افزایش بی‌رویه نقدینگی برهم‌زننده قواعد عدالت اقتصادی و جبران کاستی‌های ناشی از آن توسط دولت اسلامی اشاره می‌نماید.

### ۲ پیشینه تحقیق

موضوع پژوهش حاضر به نقش مالیه تورمی و خلق بی‌رویه پول (و به تبع آن، افزایش حجم نقدینگی، تورم و کاهش ارزش پول) در نقض عدالت اقتصادی می‌پردازد. در اینجا منظور از بی‌رویه، به عدم تناسب خلق پول با رشد حقیقی اقتصاد و برهم خوردن رابطه بخش واقعی از بخش پولی اقتصاد برمی‌گردد.

توسلی (۱۳۸۳) به محدودیت‌ها و مسئولیت‌های دولت اسلامی در پولی کردن کسری بودجه می‌پردازد. وی نشان می‌دهد بر اساس آموزه‌های اسلام، شرع به آثار ناگوار تورم‌های مزمن و دامنه‌دار از قبیل کاهش مستمر قدرت خرید درآمدی اقشاری که حقوق و دستمزد آنها ثابت است، توزیع ناعادلانه ثروت، افزایش رانت و رسوخ رشوه و فساد در تمام سطوح و ارکان جامعه و دولت به دلایل متقن ملتزم نیست، یعنی این آثار را نپذیرفته و به شدت با آن مخالف است. در نتیجه عوامل ایجادکننده آن مشروع نیست. همین امر بهره‌گیری دولت اسلامی از این شیوه را به شدت محدود می‌کند.

کمیجانی و عسکری (۱۳۸۳) به تحلیل مقایسه‌ای آثار اقتصادی زکات و مالیه تورمی پرداختند و نشان دادند تعلق زکات به مال راکد و عدم تعلق آن به سپرده‌های پس‌انداز، می‌تواند موجبات سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی را فراهم آورد، درحالی که اثرات مالیه تورمی بر رشد، چندان قابل اعتنا نمی‌باشد.

خلیلی تیرتاشی (۱۳۹۳ الف) با بیان اینکه مالیات تورمی در اثر افزایش پول کاغذی مازاد بر نیاز اقتصاد پدید می‌آید و سبب انتقال قدرت خرید پول از مردم به دولت می‌شود، این پرسش را مطرح می‌سازد که آیا می‌توان گسترش بی‌عدالتی را پیامدی عام و فراگیر برای مالیات تورمی، صرف‌نظر از ویژگی‌های یک جامعه در نظر گرفت؟ نتیجه‌ای این پژوهش نشان

می‌دهد که مالیات توری از چند راه سبب گسترش بی‌عدالتی در جامعه می‌شود. این نویسنده در مقاله دیگری (۱۳۹۳ ب) با استفاده از روش تحلیلی، به بررسی فرضیه عدم مشروعیت مالیات توری در اقتصاد اسلامی می‌پردازد. بر اساس یافته‌های این تحقیق، مالیات توری با توجه به منافات داشتن با مقاصد اقتصادی شریعت؛ یعنی اقامه قسط و عدل، رفع فقر و عدم تمرکز ثروت در دست اغنیاء، منافات داشتن با اصل توانایی پرداخت، آیه تجارت و آیه بَخس، مصالح اسلام و مسلمین، قاعده اهم و مهم و ضرورت وفای به تعهدات، جایگاهی در اقتصاد اسلامی نداشته و نمی‌توان آن را یکی از منابع درآمدی دولت اسلامی دانست.

مصصامی و کیانپور (۱۳۹۴) بیان می‌دارند که مطالعات صورت گرفته در اقتصاد متعارف و اسلامی حاکی از مشکلات بی‌شمار خلق پول از جمله بی‌ثباتی اقتصادی رکود و رونق، بی‌ثباتی در عرضه پول، افزایش تمایلات توری، رشد اجباری، تخریب محیط‌زیست، استثمار کارگر، فساد فرایند دموکراتیک، افزایش نابرابری و نقض عدالت، محرومیت اجتماعی، ورشکستگی بانک‌ها، تحمیل بیمه سپرده، مخاطره اخلاقی، سرمایه‌گذاری بی‌فایده و حباب دارایی است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که خلق پول مانع تحقق اهداف نظام مالی اسلامی مانند «عدالت اجتماعی»، «رشد اقتصادی» و «تثبیت قیمت‌ها» می‌شود.

سبحانی و درودیان (۱۳۹۵) در پژوهش خود با پافشاری بر دو معیار اصلی عدالت و مولدیت، خلق انعطاف‌پذیر پول را به صورت بالقوه امکانی در جهت گسترش تولید و تحقق هدف آبادانی معرفی کرده؛ اما میزان فعلیت یافتن آن را موضوعی مرتبط با عوامل مؤثر بر مقصد تخصیص اعتبارات بانکی می‌دانند. نتیجه آنکه همسوسازی خلق پول بانکی با اغراض اقتصادی دین، مستلزم تمهید سازوکارهایی جهت تطابق مقصد اعتبارات بانکی با اولویت‌های اجتماعی، تخفیف آثار منفی توزیعی، در کنار بازشناسی سهم دولت (جامعه) از سهم بانک در منافع خلق پول و مالیات‌ستانی آن است.

قلیچ (۱۳۹۷) سعی داشته تا با توجه به ماده اول قانون عملیات بانکی بدون ربا که استقرار نظام پولی و اعتباری بر مبنای حق و عدل (با ضوابط اسلامی) را هدف‌گذاری کرده است به شناسایی چارچوب عملیاتی یک بانک عدالت محور با رویکرد اسلامی بپردازد. نتایج این تحقیق که مستند به منابع اسلامی است نشان می‌دهد که مفهوم عدالت با رعایت کامل حقوق افراد خورده است و از این رو رعایت حقوق عام، رعایت استحقاق افراد و توجه به نیاز و احتیاج اقشار ضعیف و ناتوان جهت استخراج چارچوب عملیاتی یک بانک عدالت‌مدار قابل تبیین است. مصداق‌یابی این قواعد در رفتار با کارکنان بانکی، مشتریان بانکی، سهامداران بانکی و آحاد افراد جامعه بخش دیگری از نتایج این پژوهش را شکل داده است.

آن‌گونه که مشخص است در مطالعات پیشین، مباحث عدالت، مالیه توری، خلق پول بانکی، تورم و نقش سیاست‌های منجر به کاهش ارزش پول در نقض قواعد عدالت اقتصادی از منظر مکتب اقتصادی اسلام (بنا به تقسیم‌بندی ارائه شده)، به نحو تجمیعی مورد پرداخت کافی قرار نگرفته است؛ تفکیک مفهوم عدالت در سه قاعده بر اساس منابع اسلامی و تبیین مستدل اثرپذیری آن از دو شاخه مالیه توری و خلق پول بانکی (خصوصاً شاخه دوم که عموماً در مطالعات مغفول مانده است) نوآوری و ارزش افزوده تحقیق حاضر که به روش تحلیل نظری- توصیفی تهیه شده است، بوده که مشابه آن در سوابق مطالعات آن یافت نشده است.

### ۳ مفهوم‌شناسی عدالت

عدالت در لغت به مفهوم مساوات، میانه‌روی، توازن، حد وسط، انصاف است. امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: آنگاه که مردم حق رهبری را ادا کنند و زمامدار حق مردم را بپردازد، حق در آن جامعه عزت یابد، و راه‌های دین‌پدیدار و نشانه‌های عدالت برقرار می‌شود (خطبه ۲۱۶ نهج‌البلاغه).

عدالت در نگاه افلاطون، فضیلتی متعالی است که مابقی فضایل را تنظیم می‌کند. عدالت از نگاه او، جامع همه فضایل است. افلاطون، عدالت را زمانی اجرا شده می‌داند که هر چیزی سر جای خود نشسته باشد. به عبارتی تعریف عدالت، در جامعه آن است که هر فردی به کاری مشغول باشد که با طبیعت و استعدادش سازگار است. «هریک از طبقات سه‌گانه:

پیشه‌وران و سپاهیان و پاسداران تنها به انجام وظیفه خود اکتفا کند، عدل است، و جامعه‌ای که چنین وضعی در آن حکم‌فرما باشد، جامعه‌ای است عادل.» (کاپلستون، ۱۳۹۳، ج ۱: ۲۴۱).

در دیدگاه ارسطو «معلم اول»، عدالت به معنای خاص دو قسم دارد: عدالت توزیعی و عدالت تعویضی؛ عدالت توزیعی به وظایف دولت در قبال مردم اشاره دارد و چگونگی توزیع مشاغل، موقعیت‌ها و اموال و دارایی‌های عمومی را معلوم می‌سازد. عدالت تعویضی به رابطه و نسبت اشیاء با یکدیگر اشاره دارد. در مبادله و تعویض کالاها باید نسبت برابری مراعات شود تا مبادله در مسیر طبیعی خود انجام پذیرد. به عبارتی بایستی یک نوع برابری و همسنگی در ثمن و مضمن مبادلات و معاملات برقرار باشد (نظری، ۱۳۸۳: ۶۹-۶۸).

فارابی، عدالت را تناسب و هماهنگی یا قراردعی هر چیزی در جای خود، رعایت حدود هر چیزی و پرهیز و دوری از افراط و زیاده‌روی و نقصان می‌داند (جمشیدی، ۱۳۸۰: ۳۰۰). ابن مسکویه عدل را قرار گرفتن هر چیزی به جای خودش و رساندن هر ذی‌حقی به حق خودش و حفظ روابط بین موجودات می‌داند (طوسی، ۱۳۶۴: ۴۲). ابن تیمیه یکی از عناوین عدل را عوادالمثل (جبران ضرر) می‌داند. وی در این خصوص می‌گوید: ارزیابی درست از جبران برابر، باید بر اساس مشابه ساختن و مقایسه یک چیز با معادل آن انجام شود. جبران یک چیز با معادل آن عدالت واجب نامیده می‌شود و اگر مقداری بیشتری جبران شود، بهتر است که به آن احسان مستحب گفته می‌شود، اما کاستن از مقدار برابر، ظلم محرم است. عدالت در نگاه ابن‌خلدون، خصیصه ماهوی نظم الهی در کائنات است. با توجه به آثار و آراء ابن‌خلدون می‌توان شش معنا را برای عدالت متصور شد: عدالت به معنای رعایت اعتدال و حد وسط، عدالت به معنای قراردعی هر چیز در جای خود و رعایت استحقاق‌ها، عدالت به معنای تحقق و اجرای سیاست شرعی، عدالت به معنای تقوایی و ترک گناهان، عدالت به معنای مصلحت عمومی به بهترین نحو ممکن و عدالت به معنای اصلی‌ترین مبنای تأمین عمران و امنیت در جامعه (ابن‌خلدون، ۱۳۹۰، ج ۱: ۳۷۰-۳۶۳ و اخوان کاظمی، ۱۳۷۷: ۱۰۰).

همچنین شهید مطهری با اشاره به یکی از دقیق‌ترین تعاریف عدالت که «اعطای کل ذی حق حقه» (نهج‌البلاغه، حکمت ۴۳۷) به معنای رعایت حقوق افراد و اعطای حق هر صاحب حق است، بیان می‌دارند که «مردم دارای یک رشته حقوق واقعی قطع نظر از فرامین شارع مقدس هستند و عدالت یعنی رعایت و حفظ همین حقوق واقعی» (مطهری، ۱۳۶۹: ۴۰-۴۳ و ۶۴-۷۰).

از این‌رو می‌توان بنا به مستندات بیان داشت که «عدالت» به مفهوم «قرارگیری هر چیزی در جایگاه خود» و «رسیدن حق به صاحب آن» است (ر.ک. قلیچ، ۱۳۸۹: ۵۸-۵۰). ماده اول قانون عملیات بانکی بدون ربا نیز با همراهی دو واژه حق و عدل این نکته ظریف را متذکر شده است (توسلی و قلیچ، ۱۳۹۲: ۵-۶). در ادامه این پژوهش از همین مبنای پیشبرد بحث استفاده شده است.

#### ۴ قواعد عدالت اقتصادی از منظر اسلامی

مکتب اسلام با الهام از آیات قرآنی و روایات معصومین (ع) که بر اقامه عدل و قسط در جامعه انسانی تأکید دارند، بر عدالت‌خواهی در همه ابعاد اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی پافشاری می‌نماید. یکی از مهم‌ترین جنبه‌ها و نمودهای عدالت، عدالت اقتصادی است که خود یکی از مظاهر عدالت اجتماعی (عدالتی که تحقق و پیاده‌سازی آن هدف بعثت انبیاء و پیامبران الهی بوده است) به‌شمار می‌آید. همچنین به عدالت اقتصادی به عنوان یکی از اصول اقتصاد اسلامی نیز نگریسته می‌شود، به حدی که بدون آن نمی‌توان به اجرای کامل اقتصاد اسلامی در جامعه باور داشت.

اما آن‌طور که بیان شد عدالت با حق یک رابطه مستقیم دارد و هر کجا حقی موجود باشد عدالت هم موضوعیت می‌یابد؛ پس برای رعایت عدالت بایستی هر حقی به صاحب آن داده شود. پس واضح است که قدم ابتدایی برای شناخت و درک کارکردهای عدالت در نظام اقتصادی، شناسایی حق و منشأ ایجاد آن است. با تعمق و تدبیر در مستندات و منابع اسلامی، از سه قاعده برای عدالت اقتصادی می‌توان نام برد (قلیچ، ۱۳۹۷: ۵۶-۵۰):

### ۱.۴ قاعده اول؛ رعایت حقوق عام

حق برخورداری از امکانات و منابع و ثروت‌های عمومی و همگانی (این منابع زیرمجموعه مبحث انفعال قرار می‌گیرد) که به حقوق عام معروف است از برای تمامی انسان‌ها برابر و یکسان بوده و کلیه افراد می‌توانند در جهت افزایش عمرانی و آبادانی از این ثروت‌ها استفاده ببرند. مبانی نظری این قاعده مهم را می‌توان از تفاسیر آیات قرآن کریم همچون (هود/۶۱)، (بقره/۲۹)، (جاثیه/۱۳)، (اعراف/۱۰) و (ابراهیم/۳۲ و ۳۳) استنباط نمود. در کلیه این آیات ضمیر «کُم» بکار رفته است که عمومیت بهره‌گیری از نعمت‌های خدادادی را برای همگان در جهت اصلاح و آبادانی جائز دانسته است. هیچ کسی حق ندارد دیگری را بدون دلیل از این نعم و منابع عمومی منع نماید و یا استفاده کسی را بی‌جهت محدود سازد. بنابراین ملاحظه می‌شود که لازم است این نعمت‌ها در اختیار عموم انسان‌ها قرار بگیرند و کلیه انسان‌ها برای مصالح جامعه و عمرانی و آبادانی آن از آنان بهره ببرند. پس توزیع عادلانه این دسته از نعمت‌های طبیعی به امکان بهره‌برداری همگان مرتبط می‌شود؛ چراکه بر اساس منابع اسلامی تمامی افراد جامعه در این منابع ذی‌حق هستند. یادآور می‌شود مراد از این قاعده رعایت حقوق عامه به معنی عام حقوق است.

### ۲.۴ قاعده دوم؛ رعایت استحقاق افراد

منشأ دیگر در به دست آوردن حق، کسب امتیاز و برتری معقول است. در توزیع درآمد و ثروت، کار و تلاش و کوشش یکی از این امتیازها به شمار می‌آید. هر کسی که بیشتر فعالیت نماید بایستی سهم بیشتری از ارزش افزوده ایجاد شده را به خود اختصاص دهد. مبانی نظری قاعده دوم را می‌توان از تفاسیر آیات قرآن کریم همچون (کهف/۳۰)، (هود/۸۵)، (نساء/۳۲) و (نجم/۳۹) استنباط نمود. همچنین مرحوم فیض در تفسیر آیه «وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ» (الرحمن/۷) می‌نویسد: «خداوند عدالت را برقرار نمود به این صورت که بر هر صاحب استعدادی آنچه استحقاق داشت عنایت کرد و حق هر صاحب حقی را ادا نمود تا کار عالم به سامان شد.» (فیض کاشانی، ۱۰۹۱ ق: ۱۰۷-۱۰۶).

امیرالمؤمنین (ع) نیز در عهدنامه مالک اشتر می‌فرماید: «مقدار رنج هر یک را مورد توجه قرار ده و رنج یکی را به حساب دیگری قرار نده و در پاداش و مزد او به اندازه رنجی که دیده و زحمت و تلاشی که کرده است کوتاهی نکن» (نهج‌البلاغه/ نامه ۵۳). گرچه این معیار بیشتر به تعیین دستمزد اشاره دارد اما می‌توان از آن قاعده پرداخت متناسب با استحقاق و تلاش را نیز برداشت نمود.

پس در عدالت به هرکسی سهم بایسته داده می‌شود و همگان در رسیدن به سهم خود و قرار گرفتن در جایگاه بایسته خود برابر می‌شوند (علامه طباطبائی، ۱۳۶۳، ج ۱۲: ۳۳۱). به عبارتی کار و تلاش مفید و ارزش‌هایی را که به وسیله یک فرد یا گروه به وجود آمده است، فقط و فقط باید به حساب خود به‌وجودآورنده یا به‌وجودآورندگان آنها منظور شود و هرگز نباید به حساب دیگران گذاشته شود (جعفری، ۱۳۷۸: ۱۲۱).

پس استحقاق داشتن در استفاده از امکانات و منابع عمومی بر حسب امتیاز و شایستگی افراد، امری مقبول و قابل استناد به آیات و روایات است. به عبارتی توزیع مساوی و علی‌السویه منابع بین افراد جامعه نه تنها به معنای عدالت‌ورزی نیست بلکه عین بی‌عدالتی می‌باشد. افراد حق دارند بنا بر میزان استحقاق، شایستگی و لیاقتی که از خود نشان می‌دهند خود را در دریافت امکانات و خدمات بیشتر محق جلوه دهند. روشن است که آن دسته از منابع طبیعی که جزو انفال و متعلق به عموم مردم است، خارج از بحث این قاعده بوده و در قاعده اول پیگیری می‌شود.

این قاعده با قاعده اول تعارضی ندارد چراکه قاعده اول به برابری شرایط مسابقه برمی‌گردد حال آنکه قاعده دوم به این مهم اشاره دارد که در حین مسابقه هرکسی بیشتر تلاش نمود مستحق دریافت بیشتر خواهد بود. طبیعی است اگر شرایط ابتدایی برای همگان برابر نباشد، تلاش و کوشش افراد در حین مسابقه جهت دستیابی به منابع توزیعی بی‌فایده خواهد بود و روند کشف استحقاق آنان خدشه‌دار خواهد شد.

### ۳.۴ قاعده سوم؛ رعایت حقوق فقرا و محرومان

پس از آنکه نعمت‌های الهی برای عموم مردم در جهت عمران و آبادانی قرار داده شد و پس از آنکه افراد بنا بر تلاش و کوشش و فعالیت خود سهم و نصیبی از منابع را از آن خود کردند؛ عده‌ای هم باقی می‌مانند که به علتی غیر از تنبلی و تن‌پروری، نتوانستند خود را مستحق دریافت منابع از راه تلاش و کوشش نشان دهند.

بنابراین قاعده، یک «حق» لازم و واجب برای فقرا و محرومان جامعه در درون اموال طبقه توانا و غنی قرار داده شده است. مطابق این قاعده حتی از لحاظ مالکیت نیز افراد توانا را صاحب آن بخش مخصوص از اموال خود نمی‌داند و آن را مستقیماً حق محرومین و فقرای جامعه برمی‌شمارد. مبانی نظری این قاعده را می‌توان از تفاسیر آیات قرآن کریم همچون (معارج/۲۴)، (ذاریات/۱۹)، (انفال/۴۱)، (حدید/۷) و (حشر/۷) استنباط نمود. شایان ذکر است خمس، زکات، انفاق، صدقه و بخشی از مالیات‌های حکومت اسلامی از جمله راهکارهایی می‌باشد که نظام اقتصادی اسلام برای تحقق این قاعده سوم ارائه نموده است.



شکل ۱. قواعد عدالت از منظر منابع اسلامی

پس از معرفی و استخراج قواعد عدالت از منظر منابع اسلامی که به صورت سلسله‌وار در طول هم قرار دارند، نوبت به پاسخ به این پرسش می‌رسد که آیا افزایش حجم نقدینگی می‌تواند برهم زنده قواعد عدالت باشد؟ حلقه ارتباطی و فایده عملی تبیین و تقسیم‌بندی قواعد سه‌گانه فوق این است که این امکان را به ما می‌دهد تا با فاصله‌گیری از کلی‌گویی، مجراهای اثرگذاری افزایش بی‌رویه حجم نقدینگی بر عدالت را به نحو جداگانه و ساختارمند در قالب سه قاعده فوق درک نماییم. به بیانی دیگر آنچه تاکنون در قالب قواعد عدالت تبیین شد، به عنوان ابزار و الگویی در کشف و ارایه پاسخی مستدل و روشن به پرسش مذکور به کار خواهد آمد.

یادآور می‌شود در اینجا منظور از بی‌رویه بودن افزایش حجم نقدینگی، عدم تناسب رشد نقدینگی با رشد بخش واقعی اقتصاد است که منجر به کاهش ارزش پول می‌گردد. این تناسب به معنای برابری مطلق نرخ رشد نیست؛ بلکه به این معناست که حلقه ارتباطی بخش واقعی نباید از بخش پولی اقتصاد گسسته شود.

### ۵ عوامل افزایش حجم نقدینگی

#### ۱.۵ مفهوم‌شناسی مالیه تورمی

منظور از مالیه تورمی یعنی شیوه‌ای از تأمین مالی کسر بودجه دولت که به تورم و کاهش ارزش پول ملی می‌انجامد. تأمین مالی کسری بودجه دولت‌ها با دو روش کلی صورت می‌پذیرد. یک روش کاهش هزینه‌ها و روش دیگر افزایش درآمدها است. کاهش هزینه‌ها به کاهش هزینه‌های جاری و عمرانی قابل تقسیم می‌باشد. همچنین افزایش درآمد دولت با افزایش صادرات

(مثل صادرات نفتی در کشورهایی همچون ایران)، افزایش مالیات‌ها از حیث شمول مالیاتی و نرخ اعمال و فروش طلا و ارز در بازار پول و سرمایه قابل تحقق است که البته در همه کشورها به یک شکل و اندازه اعمال نمی‌شود. با نگاهی به واقعیت‌های اقتصادی درمی‌یابیم که کاهش هزینه‌های جاری و عمرانی برای کشورهای درحال توسعه همچون ایران کمتر قابل تجویز است. همچنین به دلیل کمبود ظرفیت‌های تولید نفت، مباحث تحریم‌های بین‌المللی و محدودیت سهمیه‌ای در بازار اوپک، کم‌کشش بودن کالاهای صادراتی، بازاریابی ناقص، مسائل و چالش‌های مدیریتی، سیاسی و بین‌المللی، عدم کارایی نظام اداری و مالیاتی و مسائلی از این دست مانع افزایش درآمدهای دولتی به میزان مورد نیاز می‌شود. از این‌رو راحت‌ترین و شاید ساده‌ترین راه تأمین کسری بودجه دولت، استقراض از بانک مرکزی می‌باشد که در نهایت به انتشار پول پر قدرت و یا پولی کردن کسر بودجه منجر می‌شود (توسلی، ۱۳۸۳: ۱۰۵-۷۵).

دولت با افزایش پایه پولی مقادیر خاصی از منابع موجود در اقتصاد را در اختیار خود گرفته و با استفاده از حق قانونی و انحصاری خود برای چاپ اسکناس، ضمن ایجاد درآمد از طریق حق‌الضرب، موجب افزایش حجم نقدینگی می‌شود (اسماعیل‌نیا، ۱۳۷۶). طبیعتاً اگر حجم پول در دست مردم افزایش یابد و به موازات آن، محصولات مورد تقاضای مردم افزایش نیابد، عدم تعادلی (تعادل پولی) پایدار می‌گردد که بالا رفتن قیمت‌ها نتیجه منطقی آن است (قدیری اصل، ۱۳۷۶: ۵۹۴). به بیان ساده، افزایش حجم نقدینگی در اقتصاد به نحوی که متناسب با رشد تولید ملی حقیقی نباشد، به افزایش تورم، کاهش ارزش پول و افت قدرت خرید افراد منتهی خواهد شد. از آنجا که این کاهش همانند وضع مالیات بر صاحبان پول و وجوه مالی است از این سیاست به «مالیه تورمی» و یا «مالیه پنهان» تعبیر می‌شود.

### ۲.۵ مفهوم‌شناسی خلق پول بانکی

در ابتدا لازم است بین دو مفهوم انتشار پول و خلق پول تفکیک قائل شویم. انتشار پول به واسطه حقی که به دولت داده شده از طریق بانک مرکزی و افزایش پایه پولی یا پول پر قدرت صورت می‌گیرد. اما خلق پول بانکی یا به تعبیر دیگر خلق اعتبار در سیستم بانکداری ذخیره و در مجموعه بانکی صورت می‌گیرد. مجموع پول و شبه پول حجم نقدینگی را تشکیل می‌دهند. اگر سیستم بانکداری با ذخیره صددرصدی باشد نقدینگی به همان اندازه افزایش پایه پولی افزایش می‌یابد و ضریب فزاینده پولی نخواهیم داشت. اما باید در نظر داشت که نظام بانکداری ما (همانند سایر نظام‌های بانکی جهان) ذخیره صددرصدی نیست؛ از این‌رو با ضریب فزاینده، افزایش حجم نقدینگی را از این ناحیه شاهد خواهیم بود.

نکته حائز اهمیت آنست که این روند به همین نقطه ختم نشد؛ پس از مدتی بانک‌ها فهمیدند، در سیستم بانکداری ذخیره جزئی می‌توانند بدون سپرده پیشینی دو طرف ترازنامه خود را توسعه دهند؛ یعنی وام‌دهی کنند بدون اینکه این وام‌دهی مستلزم کاستن از حساب سپرده باشد؛ به محض اعطای وام نیز سپرده‌ای جدید به وجود می‌آید؛ و این یعنی خلق پول از هیچ. مطابق این رویه، نیاز به ذخایر، می‌تواند متعاقباً به شکل پسینی اجابت شود.

در ادبیات متعارف اقتصاد نسبت به ماهیت واقعی بانک سه رویکرد مختلف واسطه‌گری مالی، بانکداری مبتنی بر ذخیره جزئی و رویکرد خلق اعتبار از هیچ مطرح است. در رویکرد ابتدایی، بانک‌ها تنها واسطه‌های مالی هستند. در این دیدگاه آغاز فرایند وام‌دهی با جمع‌آوری سپرده‌ها از اشخاص و پایان آن قرض دادن این منابع به اشخاص دیگر است. در رویکرد بانکداری مبتنی بر ذخیره جزئی، بانک‌ها به صورت تجمعی خلق پول می‌کنند. گرچه هر بانک به تنهایی یک واسطه‌گر مالی است که سپرده‌ها را جذب و آنها را به متقاضیان وام می‌دهد. دیدگاه سوم که دیدگاه برتر دوران کنونی است همانند دیدگاه ذخیره جزئی معتقد است نظام بانکی خلق پول می‌کند ولی هریک از بانک‌ها به تنهایی همه وام‌ها را از هیچ، خلق می‌کند و نیازی به جذب سپرده پیش از آن وجود ندارد (حسینی دولت‌آبادی، ۱۳۹۵ و کمیجانی و همکاران، ۱۳۹۷).

در بانکداری متعارف کنونی هر سه رویکرد با هم وجود دارد. زیرا اگر رویکرد واسطه مالی وجود نداشته باشد، فایده‌مندی و خدمات‌دهی بانک‌ها به عموم مردم تقلیل می‌یابد و در نتیجه نمی‌توانند از رویکردهای ذخیره جزئی یا خلق وام از هیچ استفاده کرده و خلق پول کنند. اما مسئله مهم این است که بانک‌ها در رویکرد واسطه وجوه تنها درآمدشان محدود به

همان کارمزد است که تنها نسبت کوچکی از نرخ بهره اسمی را تشکیل می‌دهد. اصل پول و درآمد بهره با کسر کارمزد متعلق به سپرده‌گذار است.

در رویکرد ذخیره جزئی، خلق پول با ضریب فزاینده در چرخه بانکی رخ می‌دهد. در این رویکرد بانک‌ها گرچه کل درآمد حاصل از نرخ بهره را مالک می‌شوند. اما اصل پول در این رویکرد متعلق به سپرده‌گذار است که نزد بانک سپرده شده و در قبال استفاده از خدمات حساب جاری هزینه‌ای پرداخت نمی‌کند. اما قدرت اصلی بانک‌ها از ناحیه رویکرد سوم و قدرت خلق پول اعتباری بدون سپرده پیشینی حاصل می‌شود نه از دو رویکرد قبلی. چراکه در این رویکرد، بانک کل درآمد حاصل از نرخ بهره و اصل پول وام داده شده را در انتها مالک می‌شود. در این حالت، بانک برای متقاضی وام اعتبار در حساب جاری ایجاد می‌کند و متقاضی پس از مدتی اصل وام گرفته شده و بهره‌اش را که حاصل دسترنج و تولید ارزش افزوده است کامل با بانک تسویه می‌کند. آن ویژگی‌ای که بانک را بانک می‌کند همین ظرفیت عظیم خلق پول اعتباری است. قابل ذکر است که در این رویکرد، هر مؤسسه‌ای که وام اعطا می‌کند حتی اگر مانند صندوق‌های قرض‌الحسنه وام بدون بهره بپردازد توانایی بالقوه خلق پول از هیچ دارد و گرچه بهره‌ای دریافت نمی‌کند، اما پس از مدتی مالک اصل پول وام داده شده می‌شود.

تجربه چهار دهه گذشته نظام پولی کشور حاکی از این حقیقت است که با مجاز و مشروع شمردن امکان انتشار پول اضافی برای دولت‌ها و خلق بی‌رویه پول بانکی شاهد افزایش‌های مستمر و بی‌رویه پایه پولی یا پول پر قدرت به وسیله همه دولت‌ها و افزایش حجم نقدینگی با ضریب فزاینده توسط بانک‌ها بوده‌ایم. نتیجه همه این نوع افزایش‌ها، وقوع تورم‌های گسترده و مزمن، در نتیجه توزیع ناعادلانه ثروت و نااطمینانی تصمیمات سرمایه‌گذاری و اقتصاد سوداگری و ضد تولیدی بوده است.

### ۶ نقض قواعد عدالت اقتصادی در اثر افزایش بی‌رویه حجم نقدینگی

با توجه به مفاهیمی که از «مالیه تورمی» و «خلق پول بانکی» (به عنوان دلایل افزایش بی‌رویه حجم نقدینگی) و «قواعد سه‌گانه عدالت از منظر نظام اقتصادی اسلام» ارائه شد، حال می‌توان در ادامه به تشریح و تحلیل نقش مخرب افزایش بی‌رویه حجم نقدینگی در اجرای قواعد عدالت پرداخت.

### ۱.۶ افزایش بی‌رویه حجم نقدینگی و نقض قاعده اول

استفاده آحاد جامعه از پول حداقل در سه جنبه واسطه مبادله، معیار سنجش و ذخیره ارزش تجلی می‌یابد. از آنجاکه تغییر مداوم واحدهای سنجش همچون متر، لیتر، کیلوگرم باعث آشفتگی و نابسامانی در استفاده از اشیاء خواهد شد، تغییر اندازه پول نیز این آشفتگی را در اقتصاد به وجود خواهد آورد. از این‌روست که حفظ نسبی واحد سنجش برای سامان دادن مبادلات ضروری است.

جنبه دیگر استفاده عمومی از پول، حفظ ارزش آن به عنوان هدف اصلی سیاست پولی است. زیرا بنا به تحلیل برخی از اقتصاددانان (توسلی، ۱۳۹۴: ۱۱۰-۷۸)، پول از هر نوع، چه از نوع کالایی و کاغذی و چه از نوع الکترونیکی و دیجیتالی و از هر حیث، چه از حیث واحد سنجش ارزش و مالیت و چه از حیث ذاتی که واسطه مبادله قرار می‌گیرد، هریک دارای مراتبی از اعتبار است. بر اساس تحلیل قوانین پولی کشورها به عنوان تنها سند مکتوب اعتبار انجام شده در پول، و با توجه به آنچه در عمل رخ داده و واقعیت‌های کنونی پول که خود وجودی غیرفیزیکی و مستقل از طلا یا هر دارایی با ارزش دیگر دیده می‌شود، این حقیقت روشن است که «پول‌های کاغذی و دیجیتالی کنونی در همه مراتب اعتباری هستند» (توسلی، همان). در نتیجه پول کنونی هم دانش اعتباری و قراردادی است و هم مالیت، قدرت خرید و ارزش مبادله‌ای‌اش امری اعتباری، قراردادی و عهد و پیمانی اجتماعی است که با جعل قانون و تعهد به حفظ ارزش آن به عنوان هدف بانک مرکزی در قانون پولی و بانکی کشور پدید می‌آید. از سمت دیگر، ظاهر آیه *أَوْفُوا بِالْعُقُودِ* دلالت بر دستور اکید به وفا کردن به عقود دارد؛ و ظاهر این دستور، عمومی بوده که شامل همه مصادیق می‌شود، و هرچیزی که در عرف عقد و پیمان شمرده شود و تناسبی با وفا داشته باشد را در برمی‌گیرد؛ لذا شامل پول هم که یک پیمان اجتماعی است می‌شود.



بنابراین، بنا به احکام اولیه رعایت قانون پولی که در آن حفظ ارزش پول ملی بر اساس مقیاسش تعهد شده، لازم‌الوفا است و دولت اسلامی نمی‌تواند از آن عدول کند. عدول از این حکم تنها با حکم ثانوی ممکن خواهد شد، آن هم زمانی که شارع مقدس به واسطه مصلحت نظام اسلامی (تا زمان وجود مصلحت) با آن موافقت نماید.

بنا به نظر آیت‌الله هاشمی شاهرودی تمام حقیقت پول در ارزش مبادله‌ای و قدرت خرید آن خلاصه می‌شود (هاشمی شاهرودی، ۱۳۷۴: ۷۳). از لحاظ فقهی، عده‌ای از فقها بر این باورند که تمام حقیقت و هویت اسکناس (پول) عبارت است از قدرت خرید و توانایی رفع احتیاجات، یعنی دارنده اسکناس مالک قدرت خرید معینی خواهد بود و می‌تواند با چنین قدرتی به رفع نیازهای خود، به میزان همان توان خرید، یعنی به مقدار اسکناس‌هایی که دارد اقدام کند (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۲: ۱۰۹). در نتیجه می‌توان چنین گفت که آنچه در پول، اصل و عامل رغبت عرف به پول است، همان ارزش و قدرت خرید پول است و به دست آوردن این ذائقه عرف زحمت چندانی ندارد، چون با اندک مراجعه به عرف و دقت در سؤال و جواب‌های روزمره آنان می‌توان به این نتیجه رسید که گوهر اصلی پول همان قدرت خرید است (امینی و سماواتی، ۱۳۸۶: ۲۳۰).

حال با توجه به نقش‌های سه‌گانه پول، هر فردی از جامعه با در اختیار داشتن پول، صاحب حقی می‌شود. آنچه این حق را در بعد فردی و خصوصی بیشتر جلوه‌گر می‌کند، نقش سوم پول یا همان ذخیره ارزش است. بدین دلیل می‌توان اذعان نمود که کارکرد عدالت در صیانت از قدرت خرید و ارزش پول، بیشتر قابلیت تعریف دارد. افراد یک جامعه با اعتماد به اعتباری که دولت رسمی به پول بخشیده و تعهد به حفظ ارزش آن سپرده است، ماحصل و ثمره تلاش خود را به شکل پول نگهداری و ذخیره می‌کنند و این رویه برای عموم افراد جامعه که در قاعده اول عدالت ذکر شد، وجود خواهد داشت. کاهش ارزش پولی که از ناحیه پولی کردن کسر بودجه با انتشار پول اضافی و خلق بی‌رویه پول بانکی حاصل می‌شود، همانند کاهش عیار در مسکوکات فلزی بوده و این عمل مصداق «نقص در مال» است. نقص در مال، اصطلاحی فقهی است که در رابطه با هر مالی مقتضای خاص خودش را دارد. به عنوان مثال، اختلاط گلاب با آب به نقص در مال که همان گلاب باشد می‌انجامد. به همین ترتیب، پول که مال اعتباری است نقصان خاص خودش را دارد که از طریق عملکرد اعتباردهنده به نحو سیاست‌گذاری انبساطی پولی بدون پشتوانه تولید ملی، برای پول حاصل می‌گردد (توسلی، ۱۳۸۳: ۱۰۵-۷۵). عین همین اتفاق هنگامی که دولت به بانک‌ها اجازه خلق بی‌رویه پول بانکی می‌دهد رخ می‌دهد. با این فرض که حق انتشار پول به دست دولت است و می‌تواند آن را به هر نهاد دیگر واگذار کند.

اجرای قاعده اول عدالت به معنای رعایت حقوق عامه مستلزم همین معنا است. یعنی آنکه با فرض آنکه مالکیت صاحبان وجوه بر پول خود از مجرای صحیحی پدید آمده است، بقای این مالکیت نوعی حق برای مالک ایجاد خواهد کرد. بنابراین رعایت حقوق عامه مستلزم این معناست که نباید ارزش پول و قدرت خرید آحاد جامعه به مرور زمان کاهش یابد و سرمایه و ثروت افراد خارج از اختیار و عملکرد آنان مستهلک شود. پس با این نگاه مجاز و مشروع دانستن انتشار پول اضافی و خلق بی‌رویه پول بانکی به نقض قاعده اول عدالت و تضییع حقوق آحاد جامعه منجر خواهد شد. چراکه تمامی آحاد جامعه که دارایی خود را در قالب پول ذخیره نموده‌اند، با رخداد تورم شاهد کاهش قدرت خرید آن می‌شوند، بی‌آنکه در این کاهش دخالت و یا تقصیری داشته باشند.

البته لازم به اشاره است تأثیر منفی کاهش ارزش پول فقط بر جامعه بار نمی‌شود بلکه بر درآمدهای دولت (از کانال‌هایی همچون کاهش مصرف و به تبع آن کاهش درآمد مالیات بر مصرف) هم تأثیر دارد. به این جهت دولت‌ها بدون دلیل دست به چنین اقدامی نمی‌زنند. از این رو اگر مصلحت دولت اسلامی اقتضا نماید که برای جبران کسری بودجه دست به افزایش پول پر قدرت نماید و راه حل بهتری نیز برای این جبران یافت نشود، حتماً بر اساس احکام ثانویه که محدود به مدت زمان اضطرار و مقید به دایره مصلحت هستند، شرع مقدس این اجازه را به حاکم اسلامی خواهد داد؛ چراکه رعایت مصلحت حکومت اسلامی بر سایر منافع افراد اولویت دارد. شایان ذکر است در این حالت، الزام به جبران باقی می‌ماند که در بخش‌های آتی بدان پرداخته می‌شود.

مورد دیگر در نقض قاعده اول توسط خلق پول بانکی، توزیع نامناسب حمایت‌های دولتی به نفع بانک‌ها را برجسته می‌سازد. آشفتگی ترازنامه بانکی به عللی چون ضعف مدیریت مالی و یا حاکمیت شرکتی، بانک‌ها را از حیث ساماندهی

دارایی‌ها و بدهی‌ها از جنبه ریسک، نقدشوندگی و دوره زمانی با چالش مواجه می‌سازد. بنا به اهمیت نقش و جایگاه بانک‌ها در ثبات نظام مالی کشورها و قدرت برهم‌زندگی آرامش اقتصادی در پی بروز بحران‌ها و چالش‌های بانکی، عموماً دولت‌ها پشتیبان و حامی این دسته از نهادها هستند. ایجاد اهرم‌های حمایتی و یارانه‌ای پنهان و نیز امکان‌دهی دسترسی به ذخایر بانک مرکزی به بانک‌ها جهت ترمیم ترازنامه‌های خود، منجر به تمديد و گسترش اقدامات سودجویانه و ریسکی این‌گونه نهادها در خلق پول می‌شود (ورنر و همکاران، ۲۰۱۱: ۲۱).

شایان ذکر است این خلق پول عموماً در جهت پیگیری اغراض و منافع استفاده می‌شود که با بهینه اجتماعی سازگاری چندانی ندارد؛ شواهد تاریخی نیز گواه این مطلب است که بانک‌ها برای بیشینه کردن منافع کوتاه‌مدت خود به خلق اعتبار برای بخش‌های غیرمولد و سوداگران گرایش بیشتری دارند (گرین‌هام و همکاران، ۲۰۱۲: ۴۹). پس می‌توان اذعان داشت که یارانه‌های پنهان و حمایتی عملاً به توزیع نامناسب حمایت‌های دولتی (که همه فعالان اقتصادی در آن سهم دارند) به نفع بانک‌ها منتج خواهد شد و نقض‌کننده قاعده اول عدالت می‌شود.

### ۲.۶ افزایش بی‌رویه حجم نقدینگی و نقض قاعده دوم

یکی از ویژگی‌های مشهود افزایش بی‌رویه حجم نقدینگی برهم زدن تناسب و توازن و ایجاد ناهمگونی در جریان تغییر قیمت‌ها و کسب درآمدها است. بدین نحو که قیمت برخی از کالا و خدمات و کسب درآمد برخی از طبقات اجتماعی، با آهنگی شدیدتر از سایر قیمت‌ها و یا درآمدها افزایش می‌یابد. این عدم تناسب و توازن در بالا و پایین شدن قیمت‌ها و درآمدها موجب آن می‌شود که درآمد و ثروت حقیقی برخی از طبقات و گروه‌ها به ضرر طبقات و گروه‌های دیگر بهبود یابد. نتایج تحقیقات و مطالعات آماری نیز نشان می‌دهد که تورم اثرگذاری منفی بر توزیع درآمدها دارد (کتابی، ۱۳۷۱). از این جهت می‌توان ادعا نمود که سیاست مالیه تورمی و خلق بی‌رویه پول بانکی به توزیع ناعادلانه درآمدها در مرحله پس از تولید منتج شده و از این طریق، برهم‌زننده قاعده دوم عدالت اقتصادی خواهد بود.

نکته مهم آنست که نقض قاعده دوم و عدم توازن در حصول درآمد متناسب با تلاش و استحقاق افراد، به مرور زمان در ایجاد یا افزایش شکاف طبقاتی متبلور می‌شود. چراکه فشار سنگین این توزیع ناعادلانه عمدتاً بر دوش صاحبان درآمد ثابت و نیمه ثابت همچون کارمندان و کارگران و یا خریداران اوراق مشارکت احساس می‌شود. به عبارت دیگر گرچه تورم، ضرر خود را به همه می‌رساند، اما طبقه مرفه جامعه که امکان تبدیل پول به زمین، مسکن، طلا و جواهرات و دارایی‌هایی از این قبیل را دارند؛ با این انتقال از زیان کاهش قدرت خرید پول تا حدی مصون می‌مانند؛ درحالی که طبقات پائین درآمدی که پول چندانی برای خرید کالاهای بادوام همچون زمین و مسکن ندارند و غالباً عمده درآمد خود را صرف کالاهای ضروری و مصرفی می‌کنند، بیشتر از تبعات افزایش تورم ضربه می‌پذیرند (قلیچ، ۱۳۸۹: ۱۴۷). بنابراین بر اساس بررسی‌های تجربی پیرامون آثار تورم بر دهک‌های درآمدی یا ثروتی (ر.ک. خلیلی تیرتاشی، ۱۳۹۳ ب و کتابی، ۱۳۷۱) می‌توان اذعان داشت مالیه تورمی، موجب گسترش فقر و تمرکز ثروت در دست اغنیاء می‌گردد.

البته از آنجاکه وضع مالیات خود اثرات توزیعی در جامعه دارد، اجرای یک نظام مالیاتی هوشمندانه می‌تواند با تنوع‌بخشی و تغییرات پایه مالیاتی، نرخ‌های متفاوت مالیاتی و معافیت‌های آن اثرات توزیعی مدنظر سیاست‌گذار را در اقتصاد برجای بگذارد؛ همچنین در کنار مالیات دولتی، سازوکارهایی همچون خمس و زکات نیز می‌تواند تا حدودی شکاف طبقاتی ایجاد شده را از بین ببرد؛ اما به‌رحال این اقدامات ترمیمی نمی‌تواند نافی نقش منفی افزایش حجم نقدینگی و تورم در ایجاد شکاف طبقاتی و برهم خوردن قاعده دوم باشد.

### ۳.۶ افزایش بی‌رویه حجم نقدینگی و نقض قاعده سوم

آن‌گونه که بیان شد قاعده سوم، به یک «حق» لازم و واجب برای فقرا و محرومان جامعه در درون اموال طبقه توانا و غنی اشاره دارد. خمس، زکات، انفاق، صدقه و بخشی از مالیات‌های حکومت اسلامی از جمله راهکارهایی می‌باشد که نظام اقتصادی اسلام برای تحقق این قاعده سوم ارائه نموده است.

انتظار می‌رود با افزایش بی‌رویه حجم نقدینگی و به تبع آن، کاهش قدرت خرید افراد جامعه، از حجم منابع بازتوزیعی همچون خمس، زکات، صدقه، وقف و انفاق به طور طبیعی کاسته شود. به عبارتی، یکی از مهم‌ترین موارد واکنش عرف به کاهش ارزش پول و قدرت خرید، کاهش پرداخت وام قرض‌الحسنه به نیازمندان و سایر پرداختی‌های خیرخواهانه و برگرفته از ایفای مسئولیت شرعی و اجتماعی است. گرچه نوع و میزان تعدیل دستمزدهای اسمی در شرایط تورمی می‌تواند این کاهش انگیزه را تا حدودی جبران نماید.

بررسی‌های تجربی یکی از بانک‌های قرض‌الحسنه‌ای کشور، گویای جدی بودن مسئله تورم و کاهش ارزش پول برای سپرده‌های قرض‌الحسنه و صحت اثرگذاری منفی تورم بر حجم سپرده‌های قرض‌الحسنه است (اکبری، ۱۳۹۸). پژوهش‌های اقتصادی نیز صحت این ادعا را با استفاده از داده‌های آماری و مدل‌های اقتصادسنجی اثبات می‌کنند. به عنوان نمونه، اثنی‌عشری و بابایی (۱۳۸۸) در پژوهش خود با استفاده از آزمون علیت گرنجر، تغییر حجم سپرده‌های قرض‌الحسنه بانک‌ها در اقتصاد ایران طی سال‌های (۱۳۸۶ - ۱۳۴۰) نسبت به انتظارات تورمی را آزمون نموده‌اند. برآوردها نشان‌دهنده این است که با افزایش انتظارات تورمی در اقتصاد ایران، حجم سپرده‌های قرض‌الحسنه بانک‌ها کاهش اندکی می‌یابد. همچنین عزتی و نورمحمدلو (۱۳۹۱) در تحقیق خود نشان می‌دهند که تورم بر انفاق سرانه اثر منفی در حجم کمی دارد. شفیع (۱۳۹۰) نشان می‌دهد که انفاق تابعی فزاینده از درآمد سرانه استانی، ثروت و سرمایه مذهبی است. به عبارتی با کاهش درآمد سرانه و قدرت خرید افراد جامعه از میزان انفاق اعطایی کاسته می‌شود. این نتیجه‌ای است که پژوهش عزتی و شفیع (۱۳۹۱) نیز آن را تأیید کرده است.

در اینجا هم نظام مالی اسلامی می‌تواند با بهره‌گیری از سیاست‌های تشویقی و حمایتی تا حدودی این اثرات کاهش‌ی را تنزل بخشد. اما به‌رحال همانند مورد قبل این اقدامات ترمیمی نمی‌تواند نافی نقش منفی افزایش حجم نقدینگی و تورم در کاهش انگیزه افراد در تأمین منابع بازتوزیعی و برهم خوردن قاعده سوم باشد.

### ۷ مسئولیت شرعی دولت اسلامی در جبران اثرات مالی تورمی

با توجه به آثار منفی مالی تورمی بر اجرای قواعد سه‌گانه عدالت اقتصادی، دولت اسلامی موظف به اتخاذ سیاست‌های پولی مناسب در جهت حفظ ارزش پول و پرهیز از اعمال مالیه تورمی بر جامعه مسلمین است. مدلول بسیاری از روایات و نیز کلام بزرگان این است که حاکم اسلامی حافظ جان، مال و نوامیس مسلمانان است و باید با آنان به عدالت رفتار کند. به عنوان مثال:

الف) مرحوم شیخ طوسی در مبسوط، روایتی از رسول اکرم (ص) نقل می‌کند که حضرت فرمود: «حرمة مال المسلم كحرمة دمه». احترام مال مسلمان، مانند احترام خون او است. پس اگر اهمیت مال مسلمان مانند خون او باشد، چنانچه مقداری از آن تلف شود، موجب ضمان خواهد بود (محقق داماد یزدی، ۱۴۰۶، ج ۱: ۱۱۰).

ب) ورام بن ابی‌فراس از پیامبر اکرم (ص) روایت می‌کند که فرمود: «کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیتة فالامیر علی الناس راع و هو مسئول عن رعیتة». آگاه باشید که تمام شما حافظ و نگهبان یکدیگرید و همه مسئول افراد زیر نظر خود هستید. پس امیر و فرمانروای مردم در برابر ایشان مسئول است. (ورام بن ابی‌فراس، بی‌تا: ۱۴)

ج) فقها جمله «من اتلف مال الغیر فهو له ضامن» (هر کس مال دیگری را تلف کند، ضامن است) را یک حدیث منقول از معصوم (ع) تلقی کرده‌اند. هر چند این عبارت در کتب حدیثی دیده نمی‌شود، ولی از چنان شهرتی برخوردار است و آن چنان مورد استفاده فقها قرار گرفته که در حدیث بودن آن تردیدی باقی نمی‌ماند و در بسیاری نصوص دیگر نیز کلماتی حاکی از مضمون این جمله وجود دارد. به هر حال، جمله فوق به صورت یک قاعده در آمده است (محقق داماد یزدی، ۱۴۰۶، ج ۱: ۱۱۰).

بر این اساس حاکم اسلامی حافظ مال، جان و ناموس یا به‌طور کلی حافظ امنیت اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و مانند آن است؛ میان مردم طبق قوانین الهی و موازین شرع به عدل و داد حکم می‌راند؛ حق هیچ‌کس را ضایع نمی‌کند؛ به هیچ‌کس بی‌جهت احسان نمی‌کند و تعادل و توازن ثروت را میان مردم برقرار می‌سازد؛ پس او سیاستی اتخاذ نخواهد

کرد که پول‌های مردم از ارزش بیافتند و تورم لجام‌گسیخته در جامعه فراگیر شود و توزیع درآمد به نفع اغنیاء و به ضرر فقرا به شدت تغییر کند.

از این رو مشخص می‌شود که بنا به اصل اولیه در یک جامعه اسلامی، بانک مرکزی و دولت قانوناً و عرفاً متعهد به حفظ متناسب ارزش پول ملی هستند و بایستی در قبال این تعهد، ملزم و پاسخگو نیز باشند. از آنجا که بر اساس اصول و آموزه‌های اسلامی و سیره عقلا، کاهش سرمایه و ذخایر ارزش افراد جامعه و همچنین برهم زدن معیارهای سنجش مالی و اقتصادی یک جامعه بدون دلیل و مبنا مورد نهی واقع شده است (توسلی، ۱۳۸۳) و نیز از آنجا که پول وسیله‌ای برای ذخیره ارزش و معیاری برای محاسبه و سنجش امور مالی و اقتصادی مردم جامعه است، می‌توان چنین ادعا کرد که در نظام اسلامی، هیچ نهادی حتی دولت حاکمه، حق ندارد بدون دلیل و خارج از مصلحت عمومی دست به اقدامی بزند که منجر به کاهش ارزش پول ملی و تضییع حقوق افراد شود.

بدیهی است این الزام برای نهادها و قوای سیاست‌گذار در پرهیز نمودن از اعمال سیاست‌های تورم‌زا و مغایر با اصول عدالت اقتصادی، بیشتر قابل لحاظ می‌باشد. اما از آنجا که ناتوانی دولت در تأمین مالی فعالیت‌های جاری و عمرانی، باعث بروز مشکلات عدیده‌ای در سطح معیشت، رفاه و اشتغال مردم و همچنین نیل به اهداف کلان نظام می‌گردد، اگر امکان تأمین مالی دولت از راه‌های با هزینه کمتر میسر نباشد، دولت برای آنکه به حال خود رها نشود و به عبارتی خود را ورشکسته اعلام ننماید به منظور تأمین کسری بودجه خود مجبور به استقراض از بانک مرکزی و اعمال سیاست مالی تورمی می‌گردد که البته این امر به معنای عدم الزام جبران ضرر نخواهد بود. البته ضروری است منبع جبران ضرر از محل خلق پول و تکرار اثرات منفی افزایش نقدینگی نباشد. بدیهی خواهد بود که دشواری فراوان تأمین منابع و تشخیص و ترمیم ضرر، ضرورت و اهمیت پرهیز از اعمال سیاست‌های مضر را برای حاکمیت دوچندان می‌سازد.

برای اثبات اینکه دولت اسلامی ملزم به جبران ضرر ناشی از اعمال این سیاست است، دو دلیل کلی قابل طرح است: دلیل اول آنکه حاکم اسلامی بنا به دستور شرع موظف است که عدالت را در حکمرانی خود رعایت نماید. از این رو انجام سیاستی که برهم زننده قواعد سه‌گانه عدالت اقتصادی است مخالف رسالت دولت اسلامی بوده و از این بابت جبران خسارت بر عهده او است.

دلیل دوم آنکه، حکم و سیاست حاکمیت شامل هر چیزی است که در دایره مصلحت حفظ اصل نظام اسلامی قرار گیرد، اما زبانی که از پی اجرای آن حکم یا سیاست مستخرج می‌شود، خارج از دایره مصلحت نظام بوده و بایستی این خسارت به نحو مقتضی جبران گردد. شاید بتوان با ارائه مثالی این مفهوم را بیشتر توضیح داد. اگر مصلحت عمومی حکم نماید که در منطقه‌ای از شهر، خیابان یا بزرگراهی برای رفاه حال عموم احداث گردد و این امر منوط به تخریب خانه‌های مجاور باشد؛ بنا بر وجود مصلحت بالاتر، تخریب منازل در دستور کار قرار می‌گیرد. اما از آنجا که این تخریب مستلزم ایراد ضرر به مالکان منازل است، جبران ضرر بر عهده حاکمیت خواهد بود. حضرت امام خمینی (ره) در این رابطه بیان می‌کنند: حاکم اسلامی می‌تواند مسجد یا منزلی را که در مسیر خیابان است خراب کند و پول منزل را به صاحبش رد نماید (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۱: ۱۷۰)؛ بدین معنا که باید معادل و یا بیشتر از ارزش ملک، به صاحب ملک داده شود تا وی متضرر زبانی نشود.

نکته مهم آنکه طبق فتوای حضرت امام (ره) حفظ نظام اسلامی، اوجب واجبات است. پس اگر عدم تأمین مالی کسری بودجه موجب لطمه به اصل نظام شود دولت اسلامی حق دارد با عدول از اصل اولیه و بر اساس اصل ثانویه، کسری بودجه را تأمین مالی کند؛ اما این منافی جبران ضرر توسط حاکمیت نخواهد بود، همان‌گونه که رد پول منزل تخریب شده بر حاکم اسلامی مقرر است و تخریب منزل بر اثر مصلحت بالاتر؛ منافی جبران ضرر صاحب ملک نمی‌شود.

شاید عنوان شود که جبران ضرر چند مالک منزل با این مورد تفاوت دارد. اما پاسخ آنست که اگر حاکم اسلامی بنا به مصلحت عمومی و صلاح نظام اسلامی مجبور به تخریب کامل منازل یک شهر شود، آیا چون ابعاد بزرگتر شده است، جبران مالکیت از دست رفته مالکان به عنوان حق مشروع آنان، لازم نیست؟ اتفاقاً به نظر می‌رسد با گسترده شدن ابعاد ضرر وارده (که ممکن است در برخی حالات به ضرورت حفظ مصلحت نظام اسلامی رخ داده باشد)، اثرات منفی تضییع حقوق افراد

بزرگتر و جبران آن به قدر ممکن ضروری‌تر بنماید. در تأمین مالی کسری بودجه دولت توسط استقراض از بانک مرکزی که موجب تورم و کاهش ارزش پول می‌شود نیز تقریباً مشابه همین مثال اتفاق می‌افتد. این وظیفه حاکمیت است که اولاً تا جایی که امکان دارد از روش‌های جایگزین و کم‌هزینه‌تر تأمین مالی کسری بودجه استفاده نماید، ثانیاً استفاده از روش استقراض از بانک مرکزی به علت اثرات منفی و مخربی که به همراه دارد، صرفاً به نحو موقتی و محدود به شرایط اضطراری بوده و تبدیل به رویه همیشگی نشود و ثالثاً به منظور اجرای عدالت و بر مبنای قواعد فقهی اتلاف و تسبیب، دولت بایستی با اعمال سیاست‌های جبرانی و بازتوزیعی، ضرر تحمیل شده را در حد امکان و توان جبران کند. البته بدهی است مثال تخریب خانه‌های مجاور به منظور احداث خیابان یا بزرگراه، ضرری جزئی به عده‌ای محدود وارد می‌سازد اما زیان تورم به همه افراد جامعه وارد شده و به این سادگی قابل محاسبه، تشخیص و جبران نمی‌باشد. به عبارتی می‌توان اینگونه بیان داشت که با توجه به ابعاد گسترده ضررهای ناشی از ایجاد تورم، جبران این زیان در سطح کلان به طور کامل غیرقابل تصور می‌باشد.

### ۸ جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

از جمله علل افزایش بی‌رویه حجم نقدینگی، «مالیه تورمی» و «خلق پول بانکی» است. یکی از راحت‌ترین و شاید ساده‌ترین راه‌های تأمین کسری بودجه دولت، استقراض از بانک مرکزی می‌باشد که در نهایت به انتشار پول پر قدرت و یا پولی کردن کسر بودجه منجر می‌شود که اصطلاحاً به آن مالیه تورمی گویند.

اما فارغ از بحث مالیه تورمی در بالا رفتن حجم نقدینگی، یکی دیگر از علل این افزایش، به خلق پول بانکی برمی‌گردد. این نوع خلق پول یا به تعبیر دیگر خلق اعتبار در سیستم بانکداری ذخیره جزئی با مکانیزم ضریب فزاینده پولی و در مجموعه بانکی صورت می‌گیرد و منجر به افزایش نقدینگی در اقتصاد می‌شود.

رسالت اصلی این پژوهش بررسی نقش افزایش بی‌رویه حجم نقدینگی در نقض قواعد عدالت اقتصادی از منظر مبنای و اصول نظام اقتصادی اسلام بوده است. بند یکم از ماده اول قانون عملیات بانکی بدون ربا یکی از اهداف نظام بانکی جمهوری اسلامی ایران را «استقرار نظام پولی و اعتباری بر مبنای حق و عدل (با ضوابط اسلامی) به منظور گردش صحیح پول و اعتبار در جهت سلامت و رشد اقتصاد کشور» عنوان نموده که این نشان از اوج اهمیت اصل عدالت در نظام پولی جمهوری اسلامی ایران است.

مفهوم عدالت مفهومی بلند و تا حدی پیچیده است. از منظر منابع اسلامی، عدالت با حق یک رابطه مستقیم دارد و هر کجا حقی موجود باشد عدالت هم موضوعیت می‌یابد؛ پس برای رعایت عدالت بایست هر حقی به صاحب آن داده شود. پس واضح است که قدم ابتدایی برای شناخت و درک کارکردهای عدالت در نظام اقتصادی، شناسایی حق و منشأ ایجاد آن است. با تعمق در مستندات و منابع اسلامی، از سه قاعده برای عدالت اقتصادی با عناوین رعایت حقوق عام، رعایت استحقاق افراد و رعایت حقوق فقرا و محرومان می‌توان نام برد. این پژوهش با یک تحلیل نظری و توصیفی نشان داد که افزایش بی‌رویه حجم نقدینگی در اثر «مالیه تورمی» و «خلق پول بانکی» بر هریک از قواعد سه‌گانه فوق اثرات منفی برجای می‌گذارد.

البته غیر از این دو مورد، سیاست‌ها و رویدادهای دیگری همچون سیاست‌های انبساطی بی‌ضابطه، افزایش تقاضای عمومی، اختلال در بازار ارز، تورم وارداتی، سوء مدیریت انتظارات و ایجاد تورم انتظاری، افزایش هزینه‌های تولید همچون سطح دستمزدها و قیمت‌های حامل انرژی که منجر به کاهش عرضه عمومی می‌شود، معضلات و نابسامانی‌های ساختاری اقتصاد همچون کارآمدی پایین بخش دولتی، ضعیف بودن زیربنای فنی، اقتصادی و قانونی، بالا بودن میل نهایی به مصرف، گستردگی بخش دلالی غیرضرور، فقدان نیروی کار متخصص، کشش ناپذیری عرضه و تحرک ناپذیری بخش تولید، همگی در ایجاد و یا تعمیق تورم و در نتیجه کاهش ارزش پول ملی به طریق تجربه‌شده‌ای اثرگذار هستند. طبیعتاً این دسته از کاهش‌های ارزش پول ملی نیز همان اثرات منفی پیش‌گفته بر اجرای قواعد عدالت اقتصادی را به دنبال خواهند داشت.

نکته پایانی آنکه بنا به مبانی، حفظ نظام اسلامی از اوجب واجبات است. پس اگر کسری بودجه موجب لطمه به اصل نظام شود دولت اسلامی حق دارد کسری بودجه را تأمین کند. اما توصیه سیاستی پژوهش برآنست که اولاً حاکمیت و نظام سیاست‌گذاری اقتصادی کشور به عنوان یک حاکمیت مشروع و برآمده از مبانی اسلامی، بایستی جهت صیانت از عدالت اقتصادی از هر نوع سیاست‌گذاری‌ای که در نهایت منجر به کاهش ارزش پول ملی می‌شود در حد امکان و توان اجتناب نماید و از روش‌های جایگزین با اثرات تورمی کمتر استفاده کند. ثانیاً در صورت صلاحدید مصلحت نظام به افزایش نقدینگی و ایجاد تورم، نیاز است ضرر وارده بر قواعد سه‌گانه عدالت در حد ممکن توسط حاکمیت جبران شود.

### فهرست منابع

- ابن خلدون، عبدالرحمن (۱۳۹۰)، مقدمه ابن خلدون، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران: نشر علمی و فرهنگی.
- اثنی‌عشری، ابوالقاسم و محمدرضا بابایی سمیرمی (۱۳۸۸)، برآورد تابع تقاضای پول در سپرده‌های قرض‌الحسنه بانک‌های ایران، فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، شماره ۵۱.
- اخوان‌کاظمی، بهرام (۱۳۷۷)، نظریات عدالت در اندیشه سیاسی ابن خلدون، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
- اسماعیل‌نیا، علی‌اصغر (۱۳۷۶)، تعیین مالیات تورمی در اقتصاد ایران، فصلنامه برنامه‌ریزی و بودجه، شماره ۱۴.
- اکبری، مرتضی (۱۳۹۸)، دلایل کاهش منابع قرض‌الحسنه بانک‌ها، روزنامه دنیای اقتصاد، شماره ۴۶۲۱. شماره خبر: ۳۵۳۱۷۰۴.
- امینی، علیرضا و عباس سماواتی (۱۳۸۶)، موضوع‌شناسی پول و جایگاه آن در احکام فقهی کاهش ارزش پول، دو فصلنامه جستارهای اقتصادی ایران، شماره ۸.
- بخش فرهنگی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم (۱۳۸۶)، ربا: پیشینه تاریخی ربا، ربا در قرآن و سنت، انواع ربا و فرار از ربا، قم: بوستان کتاب قم.
- توسلی، محمداسماعیل (۱۳۸۳)، محدودیت‌ها و مسئولیت‌های دولت اسلامی در پولی کردن کسر بودجه، فصلنامه اقتصاد اسلامی، شماره ۱۴.
- توسلی، محمداسماعیل (۱۳۹۴)، تحلیل ماهیت پول و بنیان‌های اعمال سیاست پولی در اقتصاد اسلامی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- توسلی، محمداسماعیل و وهاب قلیچ (۱۳۹۲)، مالیات تورمی در ترازوی عدالت، مقاله کاری شماره ۹۲۱۷، تهران: پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی ج.ا.ا.
- جعفری، محمدتقی (۱۳۷۸)، کار و ثروت در اسلام، تهران: انتشارات پیام آزادی.
- جمشیدی، محمدحسین (۱۳۸۰)، نظریه عدالت از دیدگاه فارابی، امام خمینی (ره) و شهید صدر، تهران: پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی.
- حسینی دولت‌آبادی، سیدمهدی (۱۳۹۵)، ماهیت بانک و دلالت‌های آن برای مطالعات بانکداری اسلامی، دو فصلنامه مطالعات اقتصاد اسلامی، سال هشتم، شماره ۱۶.
- خلیلی تیرتاشی، نصرالله (۱۳۹۳ الف)، تحلیل نظری آثار مالیات تورمی بر عدالت اقتصادی، فصلنامه اقتصاد اسلامی، سال چهاردهم، شماره ۵۶.
- خلیلی تیرتاشی، نصرالله (۱۳۹۳ ب)، جایگاه مالیات تورمی در اقتصاد اسلامی، دو فصلنامه معرفت اقتصاد اسلامی، سال ششم، شماره اول، پیاپی ۱۱.
- دفتر همکاری حوزه و دانشگاه (۱۳۷۱)، مبانی اقتصاد اسلامی، تهران: انتشارات سمت.
- سبحانی، حسن و حسین درودیان (۱۳۹۵)، ارزیابی توجیه‌پذیری خلق پول به‌وسیله سیستم بانکی در نظام بانکداری اسلامی، فصلنامه اقتصاد اسلامی، شماره ۶۴.
- شفیعی، علی (۱۳۹۰)، تخمین تابع انفاق در ایران با تأکید بر رفتار اختیاری انفاق در اسلام، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس.
- صدر، سیدمحمد باقر، (۱۳۵۹)، بانک اسلامی، ترجمه خنجی، تهران: انتشارات الفتح.
- صمصامی، حسین و فرشته کیانپور (۱۳۹۴)، بررسی امکان خلق پول توسط نظام بانکی در نظام مالی اسلامی، معرفت اقتصاد اسلامی، شماره ۱۳.

# بیست و نهمین همایش سالانه سیاست‌های پولی و ارزی

## کنترل تورم و ثبات مالی

تهران، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران - ۹ و ۱۰ خرداد ۱۴۰۱

طباطبائی، سیدمحمدحسین (۱۳۶۳)، تفسیر میزان، ترجمه سیدمحمد باقر موسوی همدانی، قم: نشر دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

طوسی، محمد نصیرالدین (۱۳۶۴)، اخلاق ناصری، تصحیح مجتبی مینویی و علیرضا حیدری، تهران: انتشارات خوارزمی.  
عزتی، مرتضی و پروانه نورمحمدلو (۱۳۹۱)، برآورد اثر متغیرهای اقتصاد کلان بر انفاق، فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، شماره ۶۳.

عزتی، مرتضی و علی شفیعی (۱۳۹۱)، اثر بازارهای مالی و سرمایه مذهبی بر انفاق، فصلنامه اقتصاد اسلامی، شماره ۴۶.  
عیوضلو، حسین و وهاب قلیچ (۱۳۹۳)، بانکداری اخلاقی با رویکرد اسلامی: ضوابط اخلاقی و تدابیر ساختاری، تهران: انتشارات پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی ج.ا.ا.

فیض کاشانی، محسن (۱۰۹۱ ق)، الصافی فی تفسیر کلام الله (تفسیر الصافی)، مشهد: دارالمرتضی للنشر.  
قانون پولی و بانکی کشور (مصوب ۱۳۵۱ ش) (با اصلاحات سال‌های بعد)، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، تهران.  
قدیری اصل، باقر (۱۳۷۶)، پول و بانک، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.  
قلیچ، وهاب (۱۳۸۹)، دولت اسلامی و نظام توزیع درآمد، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).  
قلیچ، وهاب (۱۳۹۷)، شناسایی چارچوب عملیاتی بانک عدالت‌محور با استفاده از رویکرد اسلامی، فصلنامه اقتصاد و بانکداری اسلامی، شماره ۲۳.

کاپلستون، فردریک چارلز (۱۳۹۳)، تاریخ فلسفه: جلد ۱: یونان و روم، ترجمه سیدجلال الدین مجتبیوی، تهران: نشر علمی و فرهنگی.  
کتابی، احمد (۱۳۷۱)، تورم، تهران: انتشارات اقبال، چاپ سوم.

کلینی، ابوجعفر محمدبن یعقوب اسحاق (۱۳۶۳ ش)، الاصول الکافی، تهران: دارالکتاب الاسلامیه.  
کمبجانی، اکبر و محمد مهدی عسکری (۱۳۸۳)، تحلیل نظری آثار اقتصادی زکات و مقایسه آن با مالیه تومی، مجله تحقیقات اقتصادی، دوره ۳۹، شماره ۶۴.

کمبجانی، اکبر، حمید ابریشمی و سیدعلی روحانی (۱۳۹۷)، ماهیت بانک و فرایند خلق پول بانکی؛ نقد دیدگاه‌های رایج و دلالت‌ها، دو فصلنامه جستارهای اقتصادی ایران، شماره ۲۹.

محقق داماد یزدی، سیدمصطفی (۱۴۰۶ ق)، قواعد فقه، چاپ دوازدهم، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.

مطهری، مرتضی (۱۳۶۹)، بیست گفتار، تهران: انتشارات صدرا.

موسوی بجنوردی، سیدمحمد (۱۳۷۲)، پول و تورم، مجله رهنمون، شماره ۶.

ورام‌بن ابی فراس (بی‌تا)، مجموعه ورام، تهران: طبع آخوندی.

هاشمی شاهرودی، سیدمحمد (۱۳۷۴)، احکام فقهی کاهش ارزش پول، مجله فقه اهل بیت، شماره ۲.

Greenham, Tony, Ryan-Collins, Josh Werner, Richard; Jackson, Andrew (2012), where does money come from? London: New Economics Foundation.

Werner, Richard, Dyson, Ben; Greenham, Tony; Ryan-collins, Josh (2011), Towards a Twenty-first Century Banking and Monetary System; NEF & Positive Money.